

گفتگو با بهترین‌های علمی

دنیا با رایانه کوچک شده است *

مزدک تمجیدی ۱۷ سال سن دارد در دبیرستان علامه‌حلی اراک مشغول به تحصیل است پدر و مادرش کارمند و تنها فرزند خانواده است. شعر و فلسفه را بسیار می‌پسندد و از برنامه‌نویسی و کارهای پژوهشی لذت می‌برد. طبیعت، آدمها، آینه، اندیشه و تمام زیباییها را دوست دارد و تنها آرزویش محبت کردن و محبت دیدن و اثرگذاری در روند روبه رشد جامعه است. در شهر اراک زندگی می‌کند و سه دوره متوالی در جشنواره خوارزمی شرکت کرده دوبار برگزیده استانی و آخرین بار به عنوان برگزیده کشوری معرفی شده است که مصاحبه‌اش را با هم می‌خوانیم.

* در مورد طرح کاربرد آن و اینکه چگونه ساخت چنین طرحی به ذهنتان رسید توضیح

دهید؟

□ نرم‌افزار نورون (neuron) که در دومین جشنواره جوان خوارزمی ارائه کرده بودم،

* گفتگوی اعظم‌ناصری با مزدک تمجیدی دانش‌آموز مرکز علامه حلی اراک (سمپاد) و برگزیده کشوری جشنواره دانش‌آموزی

خوارزمی/کیهان، ۲۴ شهریور ۱۳۸۰ شماره ۱۷۱۸۶

اعمال ساخت و محاسبه بر روی شبکه‌های عصبی مصنوعی گسترده را (Artificial Neural Networks) انجام می‌دهد. و اساسی‌ترین کاربرد آن پیوند (Link) به نرم‌افزارهایی است که از این سیستم هوش مصنوعی (AI) استفاده می‌کنند. ایده اصلی آن‌هم با گرایش اینجانب به سمت برنامه‌های تحلیل‌گر - تشخیص‌گر و مشکلاتی که در ساخت این نوع برنامه‌ها با آن مواجه شدم، در ذهن من شکل گرفت. شبکه‌های عصبی مصنوعی اساساً از مدل‌سازی ریاضی ساختار شبکه عصبی انسان و نورون‌ها (سلولهای عصبی) منشا می‌گیرد و پس از گذشت چند دهه و با پیشرفتی شگفت‌انگیز به عنوان یکی از اساسی‌ترین روش‌های هوش مصنوعی محسوب می‌شود.

نرم‌افزارهای هوشمند که سدهٔ اخیر را به تسخیر خود درخواهند آورد، دیگر نیاز به معرفی ندارند. از یک داور فوتبال مجازی تا یک پزشک مجازی، همه و همه نیازمند الگوریتم‌های شبیه‌ساز هوش هستند و نرم‌افزار نورون نیز در راستای پیاده‌سازی چنین الگوریتم‌هایی گام بر می‌دارد.

*** آیا به راستی یک رایانه می‌تواند یک جراحی پیچیده را انجام دهد؟**

□ رایانه در انجام وظایف شرطی، نظیر ندارد. با بیشترین سرعت و با هیچ خطا، انتظارات شما را برآورده می‌کند. اما وقتی پای تصمیم‌گیری در برابر شرایط غیرمتعارف و پیش‌بینی نشده به میان می‌آید، آن وقت می‌توان و باید در عملکرد آن شک کرد. بدون تردید کاری که یک جراح انجام می‌دهد و شرایط خاصی که با آن روبرو می‌شود، نیازمند خلاقیت و قدرت تصمیم‌گیری است. راه درازی در جهت توانمند ساختن رایانه در مواردی که ذکر کردم پیموده شده و راه درازی نیز در پیش است. اما یقین داشته باشید در آینده‌ای نه چندان دور به یک رایانهٔ جراح و دست‌سرد و مصنوعی‌اش اعتماد خواهید کرد.

*** آیا رایانه‌ها توانایی‌های بشر را دارند؟**

□ رایانه‌ها توانایی‌هایی دارند که انسانها ندارند اما تواناییهایی که در انسانها هست و در رایانه‌ها نیست بسیار بنیادی‌تر و چشمگیرترند. از آن جمله می‌توان به قدرت تفکر، تخیل، خلاقیت و احساسات و عواطف اشاره کرد که همگی فرآیندهایی آگاهانه - تصادفی و تاکنون مختص موجودات زنده می‌باشند. زمانی می‌توان رایانه‌ها را با چشم دیگری نگریست که تحولی عظیم در ساختمان آنها همچون استفاده از پردازنده‌های بیولوژیکی به وجود آید. البته تلاش‌های نرم‌افزاری نیز به نتایجی دست یافته که قابل چشم‌پوشی نیست.

*** دنیای بی‌رایانه چگونه است؟**

□ دنیایی بی‌رایانه پیش از این بوده است. پدران ما دیده‌اند و آزموده‌اند. دنیای بی‌رایانه هم که دنیای عصر ماست. مهمترین تفاوتشان هم این است که آن روز دنیا، به بزرگی دنیا بود ولی امروز کوچکتر و دستیافتنی‌تر از هر زمان دیگری است.

*** رمز موفقیت خود را در چه می‌دانید؟**

□ موفقیت یک مفهوم نسبی است و من شخصاً خود را موفق نمی‌دانم. شاید اگر زمانی در دل یکایک مردم کشورم جای داشته باشم، به موفقیت رسیده‌ام. اما به طور کلی رمز موفقیت، گام نهادن در راه موفقیت و پیشرفت است.

*** معلمان محل تحصیل تا چه حد شما را یاری کرده‌اند؟**

□ خوشبختانه بسیاری از معلمانی که در مراکز سمپاد تدریس می‌کنند، متفکر و پژوهشگرند و در سمت و سوی تدریس خود به این مسائل پایبندند. مختصر بگویم از تمامی شان سپاسگزارم.

*** هدف شما در زندگی چیست؟**

□ می‌خواهم آن زیبایی و حقیقت محضی را که در آغاز دیده‌ام بار دیگر ببینم.

اگر تو دیده‌ای حق را در آغاز در اینجا هم توانی دیدنش باز

*** اگر بخواهی از کسی تشکر کنی اول سراغ که می‌روی؟**

□ پدر و مادرم، معلمانم، دوستانم و تمامی کسانی که می‌شناسم و دوستانم دارم.

*** برای آینده چه نقشه‌ای داری و می‌خواهی چکاره شوی؟**

□ فعلاً تنها نقشه‌ام برای آینده آموختن است. اما این را که می‌خواهم چکاره شوم یا بهتر بگویم چکاره خواهم شد، دقیقاً نمی‌دانم. در هر حال راهی را خواهم برگزید که موفقیت و هدفی که پیشتر اشاره کردم دست یابم.

*** چه سخنی با مسئولان داری؟**

□ اگر این عزیزان می‌دانند که باید به تحقیقات و ابتکار و یا به عبارتی دیگر آفرینش‌های علمی و صنعتی بها داد، پس بها بدهند و به همان اندازه که سرمایه و امکانات خود را در اختیار نفرات اول کنکور و برگزیدگان المپیاد قرار می‌دهند، در اختیار پژوهشگران و مبتکران نیز قرار دهند. این راهم بگویم که یکی از معدود کالاهایی که می‌توانیم با صرف کمترین هزینه‌ها

تولید و در کوتاه مدت به رقابت با تولیدکنندگان قدرتمند خارجی پردازیم نرم افزار است. بدیهی است که باید به سرمایه گذاری در این زمینه اهتمام بیشتری ورزید. در پایان از آنها می خواهم اگر تا به حال کتاب «پنجمین فرمان» را نخوانده اند، حتماً بخوانند و از مطالب ارزشمند آن در اجرای بهتر مسئولیتشان استفاده کنند.

* یک مخترع نمونه دارای چه خصوصیتی است؟

□ مخترعی که تنها اختراع نمی کند تا اختراع کرده باشد بلکه اختراع می کند تا تحول ایجاد کند، بی شک نمونه است. مخترع نمونه زود دلسرد نمی شود، اختراع هایش استمرار دارد و بلندپرواز است.

* آیا جوانان شهرستانی بیش از دیگران برای امکانات در مضیقه نیستند؟

□ این موضوع بسیار روشن و محسوس است سؤال شما هم براساس همین وضوح استوار بود. تنها امیدوارم این مضیقه موجب مصمم تر شدن و ایجاد انگیزه بیشتر در آنها شود.

* امکانات انجام چنین طرحی چگونه در اختیار شما قرار گرفت؟

□ همانطور که پیش تر گفتم تولید نرم افزار امکانات چندانی نمی خواهد. تنها به یک رایانه نیاز است و یک اندیشه خلاق.

صاحب رتبه دوم کنکور قرآن شناس، شاعر، سینماگر و ورزشکار هم هست*

سیدمحمدامین خلیفه سلطانی رتبه دوم کنکور سراسری سال جاری (۱۳۸۰ ه.ش) در گروه علوم تجربی است.

وی تحصیلات خود را در دبیرستان و مرکز پیش دانشگاهی شهیدآذای اصفهان گذراند. معدل او در دوره دبیرستان ۱۹/۱۳ صدم و در دوره پیش دانشگاهی ۱۹/۳۷ صدم می باشد. سیدمحمدامین خلیفه سلطانی برخلاف تصور خیلی از دانش آموزان، فردی تک بعدی نیست

* نصراله دادار در گفتگو با سیدمحمدامین خلیفه سلطانی، رتبه دوم کنکور سراسری در گروه علوم تجربی از دبیرستان

که در زندگی تنها به فکر رفتن به دانشگاه باشد. او در زمینه‌های مذهبی، هنری و ورزشی نیز فعال است و عضو انجمن شعرای جوان و انجمن سینمای جوان می‌باشد. وی در مسابقات کشوری مفاهیم قرآن یک بار مقام اول، یک بار مقام سوم را کسب کرده است. او می‌گوید ورود به دانشگاه برای من هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای موفقیت‌های بعدی است. در زیر توجه شما را به گفت و گویی که از سوی صفحه مدرسه با ایشان انجام شده است، جلب می‌کنیم:



○ شما قبل از اعلام نتیجه کنکور، حدس می‌زدید چنین رتبه‌ای را کسب کنید؟

□ من قبل از اعلام نتایج، حدس می‌زدم که رتبه زیر ۱۰ را کسب کنم. ولی دقیقاً چنین رتبه‌ای را حدس نمی‌زدم. نکته‌ای که باید یادآور شوم این است که اساساً هیچ وقت با این هدف که رتبه بالایی در کنکور کسب کنم، مطالعه نکردم.

○ عوامل موفقیت تحصیلی خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ عوامل زیادی در موفقیت من مؤثر بوده است. ولی می‌توانم از یاری خدا و توکل به او، برنامه‌ریزی دقیق و منسجم و مناسب با توان خود، تلاش و پشتکار و جدیت برای اجرای برنامه‌ها، وقت‌شناسی، کمک خانواده و همیاری و راهنمایی دبیران به عنوان اصلی‌ترین عوامل موفقیت خود نام ببرم. نکته‌ای که ضروری می‌دانم در اینجا به آن اشاره کنم این است که من هیچ وقت به زندگی به صورت یک بعدی نگاه نکردم که تنها دنبال رفتن به دانشگاه باشم. من به مسائل دیگر زندگی نیز توجه داشتم. برخی‌ها فکر می‌کنند که افرادی که در کنکور رتبه بالا کسب می‌کنند کسانی هستند که دائم درس می‌خوانند، در صورتی که این طور نیست. من در مسابقات کشوری مفاهیم قرآن یک بار رتبه اول و یک بار رتبه سوم را کسب کردم. در مسابقات کشتی، تکواندو و دو میدانی دارای عناوین استانی هستم. عضو انجمن شعرای جوان و عضو انجمن سینمای جوان هم هستم. رتبه سوم استان در مسابقات آزمایشگاه شیمی را نیز کسب کرده‌ام و یک مقاله عملی در همایش شیمی باشگاه پژوهشگران جوان ارائه کردم که به عنوان مقاله برتر کشور انتخاب شد.

○ اشاره کردید که یاری خدا و توکل به او نقش مهمی در موفقیت شما داشت، ممکن است در این

زمینه بیشتر توضیح دهید.

□ من فکر می‌کنم یاد خدا برای موفقیت در هر کاری برای رسیدن به هر هدفی (هر اندازه هم که بزرگ باشد) یک پشتوانهٔ کاملاً مطمئن و قوی است. من به یاری خدا اطمینان کامل داشتم و همین امر موجب آرامش من می‌گردید و اعتماد به نفس مرا بالا می‌برد.

○ در خواندن و مطالعه کتابهای درسی از چه روشی استفاده می‌کردید؟

□ من روش و سبک خاصی نداشتم. فقط موقع مطالعه سعی می‌کردم کاملاً با تمرکز مطالعه کنم. به نظر من میزان و روش مطالعه مهم نیست، هر کس می‌تواند متناسب با استعداد خود یک روش را انتخاب کند و درس بخواند. مهم این است که باید به گونه‌ای درس بخوانیم که تسلط کافی بر محتوای درسها پیدا کنیم و آن قدر خوب مطالب را بفهمیم و درست درک کنیم که اگر امتحان به صورت تستی نبود و تشریحی بود، باز بتوانیم موفق شویم.

○ چقدر از کلاسهای کنکور استفاده کردید؟

□ من فقط در آزمونهای آزمایشی شرکت کردم و در حد رفع اشکال از این نوع کلاسها استفاده کردم. به نظر من هر کس باید متناسب با وضع خود عمل کند و اگر کسی احساس کرد که در درس خواندن ضعیف است باید حتماً از برخی کلاسها استفاده نماید.

○ پدر و مادر شما چه کاری کنند؟

□ پدرم استاد دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و مادرم دبیر ادبیات مرکز پیش‌دانشگاهی است.

○ چه پیامی برای دانش‌آموزان دارید؟

□ مهمترین پیام من این است که هدف خود را از درس خواندن روشن کنید. به نظر من کنکور هدف نیست بلکه یک وسیله برای کسب موفقیت‌های بعدی است. ما باید توجه داشته باشیم که ارزش انسان به چیزهایی نیست که به دست می‌آورد، بلکه به چیزهایی است که مشتاق به دست آوردن آنهاست. نکته دیگر بعد از معین کردن هدف، این است که برای رسیدن به اهداف خود برنامه‌ریزی دقیقی متناسب با توان استعداد خود داشته باشید و با جدیت و پافشاری که برنامه را اجرا کنند، طوری که بعدها افسوس نخورند که چرا بیشتر تلاش نکرده‌اند.

○ در چه رشته‌ای و چه دانشگاهی را برای ادامه تحصیل انتخاب کرده‌اید؟

□ رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران را انتخاب کرده‌ام.

قلب او کاشانه نور وحی و مهر محرومان است*

او نهمین بهار زندگی‌اش را در فضای معنوی و با نشاط خانواده سخت‌کوش و پرتلاش پشت سر می‌گذارد و در کنار فعالیت درسی و یا بهتر است بگوییم قبل از آنکه پا به محیط آموزشی بگذارد در مهد قرآن و با تلاش و پشتکار مادر فداکارش با آخرین کتاب مقدس خداوند یعنی قرآن کریم آشناگشته و انس گرفته است، وی تلاوت قرآن و حفظ آیات آن را از سه سالگی آغاز کرد. هنگامی که در هفت سالگی پا به مدرسه نهاد و معلم برحسب وظیفه خود حروف الفبا را به شاگردان می‌آموخت فاطمه با کلمات و واژه‌های قرآنی و عربی به خوبی آشنا بود. اکنون که سال سوم ابتدایی را پشت سر می‌گذارد نه تنها شاگردان مدرسه، حتی معلمان، او را به عنوان حافظ کل و مدرس قرآن می‌شناسند و از او می‌خواهند که در مراسم صبحگاهی و سایر برنامه‌ها با تلاوت زیبایش زینت‌بخش برنامه‌ها باشد.

در یک روز سرد و بارانی پاییزی براساس هماهنگی که از قبل به عمل آمده با خانم فاطمه شیرازی و مادر بزرگوارش در منزل ایشان دیداری داریم و پای صحبت‌های آنان می‌نشینیم. براساس گفته‌های فاطمه خانم وی در هفت سالگی کل قرآن را حفظ نمود و اکنون در حال آموختن فن قرائت قرآن است.

وی در مسابقات قرآنی زیادی شرکت کرده و مقامهایی را کسب نموده است و هر سال در مراسم مختلف داخلی و بین‌المللی قرآن تلاوت می‌کند و تحسین همگان را برمی‌انگیزد. این دختر نوجوان در حالی که حجاب برتر خود را حفظ نموده و با ادب خاصی در کنار مادرش نشسته و سیمای نورانی‌اش همچون نگین درخشان در چادر مشکی می‌درخشد تبسمی بر لب دارد.

او به سؤالات ما به دقت گوش می‌دهد و آنگاه پاسخ مناسب و کوتاهی می‌دهد.

از وی پرسیدیم شیوه حفظ کردن قرآن توسط شما چگونه بود؟ گفت:

«من از نوارهای حاوی صوت زیبای استاد پرهیزکار در حفظ نمودن قرآن استفاده

می‌کردم و در هفته یک روز هم جهت رفع اشکال به مهد قرآن مراجعه می‌کردم. در

حال حاضر نیز مشغول آموختن فن قرائت به شیوره کلاسیک هستم و مادرم در این زمینه به من کمک می‌کند.»

حافظ کل قرآن علت مانوس شدنش با قرآن را تلاوت قرآن در منزل توسط مادر عنوان کرد و گفت: «مادرم در این زمینه مشوق من بود و بسیار هم برای موفقیت من در این راستا زحماتی را متقبل شده است. طبق برنامه‌ریزی که مادرم برای من در منزل انجام داده است ساعات خود را تقسیم کرده‌ام و همه کارها را در زمان خاص خودش مانند تکلیف مدرسه، تمرین آموزش قرآن، استراحت، تفریح و کمک به مادر در منزل انجام می‌دهم. از آنجا که دارای برنامه هستم گاهی اوقات وقت اضافه می‌آورم که آن را هم به مطالعه کتاب می‌پردازم.» همان‌طور که خوانندگان عزیز و ملت قرآن دوست ما اطلاع دارند امسال مسابقات بین‌المللی حفظ و قرائت قرآن در تهران با حضور رییس جمهور و مقامات لشگری و کشوری و همچنین مهمانان خارجی مسلمان در سالن اجلاس سران برگزار گردید که در آن مراسم فاطمه خانم به تلاوت آیاتی از قرآن کریم پرداخت و همچنین به سؤالات قرآنی چند تن از اساتید کشورهای اسلامی پاسخ شایسته داد که باعث شگفتی حاضران گردید و او را بسیار تحسین کردند. اما نکته جالب‌تر آنکه سازمان اوقاف و امور خیریه به رسم یادبود چند سکه بهار آزادی به خانم شیرازی هدیه نمود که وی در همان‌جا و از پشت تریبون اعلام کرد که:

«من این سکه‌ها را به کودکان مظلوم افغانستان که در اثر حملات آمریکای جنایتکار،

آواره و بی‌پناه شده‌اند اهدا می‌کنم تا بدین وسیله همدردی خود را به آنان اعلام

نمایم. همچنین آمریکا بداند که ما همواره حامی مظلومان جهان هستیم.»

لحظه‌ای که این جملات را با لحن کودکانه و از سر اخلاص ادا می‌کرد اشک در چشمان حاضران حلقه زده بود و هیچ‌کس قادر نبود مانع فرو غلطیدن قطرات اشک خود شود. از وی سؤال کردیم نظر شما در ارتباط با حرکت زیبایی که انجام دادید چه بود و اینکه چه هدفی را از این کار مدنظر داشتید؟ گفت: «از آنجا که ما زخم هشت ساله دفاع مقدس را بر پیکر کشورمان داریم و از نزدیک شاهد آوارگی و بی‌پناهی بچه‌های شهرهای بمباران شده بودیم لذا با مشکل بچه‌های افغانستان به خوبی آشنا هستیم و من با اهدای سکه‌ها سعی کردم قلب زخمی بچه‌های افغانی را خوشحال کنم و همچنین به آمریکا بگویم که ما از افراد بی‌پناه دفاع می‌کنیم.» قبل از آنکه نقطه نظرات خانم صریح‌نژاد مادر فاطمه خانم را بخوانیم جا دارد که

این نکته را اضافه کنیم که نوجوان شیرازی جزء معدود کودکان جامعه ماست که پس از محمدحسین طباطبایی و خانم رقیه محمدی حافظ کل قرآن هستند و امیدواریم که در آینده نزدیک، جامعه ما جشن دکترای ایشان را برگزار کند و همچنین این امر همت و تلاش و دلسوزی جامعه قرآنی کشور را می‌طلبد.

مادر فاطمه که خود نیز حافظ قرآن است و در مسابقات زیادی شرکت کرده و هم اکنون مدرس و داور قرآنی و یکی از صاحب‌نظران مسایل قرآنی جامعه است شرایط قرآنی حاکم بر جامعه را خوب توصیف کرد و گفت: تا مرز مطلوب فاصله داریم و امید است که با تلاش مراکز قرآنی فضای جامعه کاملاً قرآنی شود.

وی که استاد قرآن در محیط‌های دانشگاهی است آموزش قرآن به کودکان را بسیار سخت‌تر از بزرگسالان دانست و گفت: البته صواب آن هم زیاد خواهد بود. خانم صریح‌نژاد به اجرای برنامه‌های قرآنی فرزندش در خارج از کشور اشاره کرد و گفت: تا کنون دوبار به سوریه رفته‌ایم و فاطمه در آنجا برنامه خوب قرآنی اجرا کرد که مورد استقبال حاضران قرار گرفت و او را بسیار تشویق کردند.

وی در پایان به وجود مشکلات مختلف در جامعه اشاره کرد و راه حل نهایی و اساسی همه آنها را تمسک پیدا کردن همه مردم به قرآن و اهل بیت دانست و گفت: امروز که غرب در چاه خلاء فرهنگی و معنوی دست و پا می‌زند، بهترین زمان برای صادر نمودن فرهنگ اسلام است و لازمه آن، این است که ابتدا کشور خود را از خطرات موجود حفظ کنیم و زنگ خطر را برای جوانان که قبله آمال خود را غرب می‌دانند به صدا در آوریم و از فرو رفتن آنان در انواع مفساد جلوگیری نماییم.

برای موفقیت یک اراده قوی با توکل واقعی به خدا نیاز دارید*

○ آقای جلالی پور سالهای اولیه دبیرستان را با رشته ریاضی فیزیک آغاز کردید و سپس تصمیم گرفتید به رشته علوم انسانی تغییر مسیر دهید. چه شد که جذب گروه علوم انسانی شدید؟

* مصاحبه پیک سنجش با محمدرضا جلالی پور رتبه اول گروه آزمایشی علوم انسانی در آزمون سال ۱۳۸۰ / ۹ مهرماه ۱۳۸۰

● احساس کردم که به رشته‌های علوم انسانی علاقه بیشتری دارم. از سال سوم هم تصمیم گرفتم که تغییر رشته بدهم. استعداد و علاقه و توانایی‌هایی که در خودم می‌دیدم باعث شد تا اینگونه تصمیم بگیرم.

○ گویی دوره پیش دانشگاهی را هم به صورت غیرحضوری گذرانیدی. با توجه به اینکه از رشته ریاضی فیزیک به انسانی تغییر رشته داده بودید و با درس انسانی هم آشنایی زیادی نداشتید، این عدم آشنایی و گذراندن غیرحضوری دوره پیش دانشگاهی با توجه به رتبه خوبی که کسب کردید نتوانست هیچ مشکلی برای شما ایجاد کند. چگونه برای این مشکلات پیروز شدید؟

● من سال سوم در المپیاد ادبی شرکت کرده بودم و موفق شدم مدال طلا کسب کنم، به همین خاطر ادبیات را فراتر از حد کنکور بلد بودم. سایر دروس را، همچون فلسفه، جامعه‌شناسی، عربی و روانشناسی را هم دوست داشتم و خودم همه را کامل خواندم. هیچ وقت هم در ارتباط با دروس به مشکل خاصی برخورد نکردم.

○ ولی در تبلیغات گسترده کلاسها و مؤسسات کنکوری نام شما به عنوان یکی از دانشجویان اینگونه مؤسسات به وفور به چشم می‌خورد. درحقیقت اینطور به نظر می‌رسد که تمام ضعفها و کمبودها و نواقص درسی تان را با کمک اینگونه مؤسسات مرتفع کرده‌اید.

● نه، هرگز. این بی انصافی است. چون من حتی یک ثانیه هم از کلاس کنکور استفاده نکردم. من حتی از کلاسهای مدرسه هم استفاده نکردم چه برسد به کلاسها یا مؤسسات کنکوری. من همیشه متکی به خودم بوده‌ام. همیشه خودم درسهایم را می‌خواندم و هیچ زمانی نبوده که به معلم متکی باشم، اینطور عادت کرده‌ام که خودم درسهایم را بخوانم و مشکلاتم را حل کنم. در دروس ریاضی و فیزیک هم به همین صورت عمل می‌کردم، چه رسد به دروس علوم انسانی که اصلاً نیازی به معلم و کلاس ندارد و خود دانش آموز می‌تواند با تلاش خودش درسهایم را بخواند. اگر هم مؤسسه یا مؤسسات کنکوری اسم و عکس مرا جزو دانشجویانشان تبلیغ می‌کنند به این خاطر است که من در آزمونهای آزمایشی که برگزار می‌کنند شرکت می‌کردم. هرچند وقت یکبار کنکورهای آزمایشی برگزار می‌کردند که من هم در آنها ثبت نام می‌کردم تا سطح و وضعیت خودم را بسنجم. به همین خاطر هم آنها اینگونه در تبلیغاتشان عمل می‌کنند. البته من موافق با این موضوع نیستم چون که اکثر افراد گمان می‌کنند که من در کلاسهای اینگونه مؤسسات شرکت داشته‌ام. در حالی که حتی یک ثانیه هم از هیچ کلاس یا

معلمی استفاده نکردم و فقط خودم خواندم و نتیجه بدست آمده هم با تلاش خودم بوده و کمک خدا.

○ دوره پیش دانشگاهی را به صورت غیرحضورى گذرانید و به مدرسه نرفتن، به همین علت زمان زیادی در اختیار داشتید. این زمان را برای درس خواندن و برنامه ریزی برای کنکور چگونه تقسیم بندی کرده بودید و دقیقاً از کی مصمم و جدی شروع کردید؟

● از اوایل مهرماه شروع کردم و از همان زمان هم مصمم و جدی درس خواندم. البته نه به اینصورت که فکر کنید تمام زمانم را درس خواندن پر می کرد. علاوه بر کنکور مطالعات و کارهای خیلی فراوانی داشتم. اما برنامه ریزی اصلی من برای کنکور به ۲ قسمت تقسیم می شد. یکی برنامه بلند مدت که دومین قسمت برنامه ریزی ام نیز در این برنامه بلند مدت تقسیم می شد. برنامه مقطعی و کوتاه مدت من درون این برنامه جای داشت.

در برنامه مقطعی به این صورت عمل می کردم که هر شب برنامه فردا را کامل مشخص می کردم و می دانستم که فردا چه دروسی را در چه زمانهایی باید بخوانم. و حتی می دانستم که مثلاً فردا کدام صفحات را در چه ساعتی خواهم خواند. یعنی اینکه برنامه ریزی من خیلی دقیق بود. در برنامه بلند مدت هم تعیین می کردم که مثلاً درسهایی را که تمام می کنم و در فلان تاریخ باید فلان کتاب را دوره کنم. بسیار دقیق عمل می کردم و دقیقاً می دانستم که کی کتابها را تمام می کنم و یا اینکه تا زمان کنکور در چه وضعیتی هستم. آزمونهای آزمایشی هم به من کمک می کرد تا ضعفها و مشکلات خودم را در این زمینه بهتر بشناسم. تعداد ساعات مطالعه ام را نیز با توجه به همین برنامه ریزی تعیین می کردم ولی ساعات زیادی از زمان روزانه ام را بخواندن برای کنکور اختصاص نمی دادم.

○ گفتید مطالعات غیر درسی و کارهای خیلی فراوانی را نیز در همین زمان دنبال می کردید. غیر از درس خواندن برای کنکور چه مطالعات جنبی داشتید؟

● معمولاً هر روز روزنامه می خواندم. به مطالب و موضوعات عقیدتی، فکری، اجتماعی هم علاقه فراوان داشتم و بیشتر مطالعه ام پیرامون همین موضوعات بود. ورزش و نرمش هم که جزو برنامه روزانه من بود و تفریح و استراحت را هم که کنار نمی گذاشتم.

○ با توجه به این همه کارها و مطالعات جنبی، سواى کنکور که داشتید برنامه ریزی دقیق خود، در ارتباط با کنکور را هم دنبال می کردید، هیچ وقت کمبود وقت و یا تلاقی درس و ورزش و استراحت و

سایر کارهای جنبی برایتان بوجدنمی آمد؟ چطور فرصت داشتید به برنامه‌درسی تان، که گفتید بسیار هم منظم بود عمل کنید؟

● ببینید، همانطور که گفتم زمان زیادی را به درس خواندن اختصاص نمی‌دادم. اما می‌دانستم که این میزان مطالعه برایم کافی است. ورزش و استراحت و یا مطالعات جنبی باعث می‌شد تا کیفیت درس خواندم افزایش پیدا کند و مثلاً یک ساعت مطالعه من کاملاً مفید باشد. البته قبلاً هم گفتم که در المپیاد ادبی مدال طلا کسب کرده بودم و به همین علت فراتر از حد لازم برای کنکور ادبیات بلد بودم. زبان انگلیسی من هم قوی بود، در درس ریاضی هم مشکلی نداشتم به همین علت این دروس را خیلی کم خواندم و به همین خاطر زمان زیادی را برای مطالعه نیاز نداشتم.

○ آقای جلابی پور در مورد برتری کیفیت بر کمیت تا به حال بارها و بارها در مصاحبه‌های گذشته صحبت شده است و این سخن اکثر تبه‌های خوب و کسانی است که به این واقعیت (برتری کیفیت بر کمیت) دست یافته‌اند. اما باز هم بسیاری از داوطلبان کنکور این واژه را جز شعار چیزی دیگری نمی‌دانند. شما چگونه به این سطح از کیفیت مطالعه دست یافتید و اصلاً چگونه می‌توان به این مهم (بالا بردن کیفیت به جای کمیت) دست یافت؟

● ببینید واقعاً این یک شعار نیست. کسانی هم که با خواندن این مطالب، باز هم برتری کیفیت بر کمیت را یک شعار می‌دانند جز ضرر به خودشان گناه دیگری مرتکب نمی‌شوند. عوامل زیادی در بالا بردن کیفیت درس خواندن سهیم هستند. ولی آنچه که قابل اجرا است من می‌گویم.

فواصل دوره کردن دروس را باید به گونه‌ای انتخاب کنند تا اولاً بتوانند آن درس یا دروس را مملکت ذهن خود کنند و یا اینکه لااقل دیرتر فراموش کنند. فواصل دوره کردن را اگر زیاد کنند بهتر است و کارآیی را بالا می‌برد. مثلاً خود من وقتی که یک کتاب را شروع می‌کردم اینطور نبود که آنرا تا انتها بخوانم و سراغ کتاب دیگری بروم. اولاً همه دروس را با هم می‌خواندم، و زمانی که یک فصل را تمام می‌کردم همان زمان دوباره آن فصل را مرور می‌کردم. من همه دروسها را با هم شروع کردم و به تدریج خواندم و با هم نیز تمام کردم. اما وقتی که تمام کردم احساس کردم که دیگر مشکلی ندارم چون با دقت خوانده بودم و فواصل دوره کردنم زیاد بود. یک فصل را که می‌خواندم ممکن بود حتی چندبار دیگر هم همان را

مرور کنم و بعد به سراغ مطالب دیگر بروم. یکی دیگر از عوامل بالابردن کیفیت این است که با میل و رغبت باید درسها را خواند. نباید با عذاب و زجر درس خواند. یعنی اینکه وقتی یک درس را می‌خوانید باید احساس کنید که این درس را در دانشگاه هم خواهید داشت و به آن علاقه داشته باشید. برای خود من هم همینطور بود. دوران یکسال گذشته خیلی هم به من خوش گذشت. زندگی معمولی خود را داشتم و اینطور نبود که بعد از کنکور نفس راحتی بکشم و بگویم چه خوب شد که کنکور تمام شد.

به نظر من فعالیتهای غیردرسی مثل ورزش یا مسافرت و یا تفریح را هم نباید به کل کنار گذاشت. در حقیقت یک مقداری ورزش و تفریح حتی می‌تواند نتیجه مثبت هم داشته باشد. یکی از مهمترین نکات هم در بالابردن کیفیت این است که از ابتدای تصمیم‌گیری برای شرکت در کنکور انسان باید هدفش را معلوم و مشخص کند. این هدف می‌تواند ایجاد انگیزه کند و این ایجاد انگیزه به تلاش می‌انجامد و در نهایت نتیجه مثبتی که در کارنامه خواهند داشت، ثمره این کار است.

○ آقای جلالی پور بهترین رتبه‌گروه علوم انسانی از آن شما بود. در ابتدای شروع برای کنکور چقدر احتمال می‌دادید که چنین رتبه‌ای در کارنامه نهایی داشته باشید؟

● می‌دانستم که رتبه خوبی خواهم داشت ولی اینکه حتماً رتبه اول شوم را حدس نمی‌زدم. ولی رتبه زیر ۱۰ را در حد خودم می‌دیدم. از قبل هم که مصاحبه با رتبه‌های برتر کنکور را می‌خواندم، تعجب می‌کردم که چرا بعضی از این افراد (رتبه‌های تک رقیمی کنکور) می‌گویند که قبل از کسب این رتبه گمان نمی‌کرده‌اند که بتوانند این رتبه‌ها را کسب کنند و یا اینکه می‌گفتند گمان می‌کرده‌اند که این افراد حتماً آدمهای بسیار خاصی هستند. من هرگز اینگونه درباره رتبه‌های تک رقیمی کنکور نیاندیشیدم.

○ یعنی به نظر شما کسب چنین رتبه‌هایی نیاز به داشتن شرایط خاصی ندارد. هرکس تلاش کند و بخواهد می‌تواند چنین رتبه‌هایی داشته باشد؟

○ خوب به نظر تان چه کسانی هستند که می‌توانند این رتبه‌ها را کسب کنند؟ ببینید قبول شدن در کنکور اصلاً مشکل نیست. یعنی اینکه اگر کسی بخواهد فقط در کنکور قبول شود و در یکی از رشته‌های انتخابیش به دانشگاه راه یابد که اصلاً کار سختی نیست و با درس خواندن بسیار معمولی می‌توان این کار را انجام داد. حال اگر کسی بخواهد رتبه خوبی داشته باشد فقط

کمی باید بیشتر تلاش کند.

خیلی‌ها می‌گویند بین مثلاً پانصد هزار نفر شرکت‌کننده، کسب رتبه تک‌رقمی کار بسیار دشواری است. در جواب این دوستان باید بگویم که در واقع رقابت در یک گروه بین پانصد هزار نفر نیست. پانصد هزار نفر فقط و فقط شرکت‌کننده هستند ولی در واقع رقابت بین ۲۰ هزار نفر اول است. کسب رتبه‌های بالاتر که اصلاً جای صحبتش نیست. اگر کسی در زمینه درسی قدرت و توان و استعداد داشته باشد با اندکی تلاش و بسیار معمولی خواندن به دانشگاه راه می‌یابد و اگر رتبه برتر بخواهد به شرط آنکه استعداد و توان تحصیلات علمی داشته باشد و این ظرفیت در وجودش باشد با تلاش بیشتر می‌تواند حتی رتبه‌ای تک‌رقمی در کارنامه‌اش ثبت کند.

○ در ارتباط با انتخاب رشته به چه ملاک‌هایی توجه کردید. فرم انتخاب رشته شما با توجه به چه

عواملی تکمیل شد؟

● توجه به ملاک‌های علاقه و استعداد و توانایی خودم مهمترین عاملی بود که انتخاب رشته‌ام را تعیین کرد. توجه به نیازهای جامعه و در نظر گرفتن علاقه و استعدادم و تطبیق آن با رشته‌ای که احساس می‌کردم در حال حاضر جامعه‌مان بیشتر به آن نیاز دارد و در آینده می‌توانم برای جامعه‌ام بهتر و بیشتر مفید باشم در نهایت به انتخاب رشته‌ام انجامید. رشته جامعه‌شناسی همان رشته‌ای بود که از ابتدا به آن می‌اندیشیدم و در نهایت هم آنرا برگزیدم. البته رشته انتخابی من علوم اجتماعی با گرایش پژوهشگری است که در مراحل بالاتر می‌توانم جامعه‌شناسی را برگزینم ولی در دوره کارشناسی رشته علوم اجتماعی با گرایش پژوهشگری را انتخاب کرده‌ام.

○ علاوه بر رشته علوم اجتماعی که انتخاب اول و اصلی شما بود پیرامون رشته‌های دیگر هم تحقیق

کردید. به هیچ رشته دیگری به جز علوم اجتماعی علاقه نداشتید؟

● چرا به رشته‌های فلسفه و حقوق هم علاقه داشتم ولی رشته علوم اجتماعی را برای خودم مناسبتر دیدم و دوست دارم که در رشته جامعه‌شناسی برای دوره‌های بالاتر ادامه تحصیل بدهم.

○ لطفاً کمی هم در ارتباط با خانواده تان بفرمائید؟

● من یک خواهر و ۲ برادر دیگر دارم. خودم نیز فرزند ارشد خانواده هستم. برادرم از

من یکسال کوچکتر است و اکنون دوره پیش‌دانشگاهی را تجربه می‌کند. خواهرم نیز سال دوم دبیرستان است و برادر کوچکم نیز اکنون در سال دوم دبستان است. پدرم دکترای جامعه‌شناسی سیاسی است و مادرم دیپلمه و معلم قرآن.

○ در ارتباط با انتخاب رشته و تعیین مسیر تحصیلی تان در دانشگاه والدینتان نظر مساعدی همچون نظر شما داشتند یا ایشان با نحوه و روش انتخاب شما مخالف بودند؟

● نه تنها در مورد درس بلکه در تمام موارد زندگی خانواده مشاور و همراه من هستند. هیچ‌وقت اجبار یا مخالفتی نبوده و خصوصاً در مورد درس من همیشه مستقل بوده‌ام. هیچ‌وقت پدرم به من نگفته چه خواندی یا چرا نخواندی یا اینکه چگونه باید بخوانی. هر صحبتی هم که بوده در ارتباط با راهنمایی و اظهار نظر بوده، من مسیرم را با راهنمایی ایشان و شنیدن نظراتشان و در نظر گرفتن هدف خودم انتخاب کردم.

○ درصد دروسی که در کارنامه تان ثبت شده بود اکنون به خاطر دارید؟ آیا این درصدها همانهایی بود که بعد از کنکور حدس می‌زدید؟

● بله، تقریباً همان درصدها بود. زبان و ادبیات فارسی ۱۰۰، زبان عربی ۱۰۰، معارف اسلامی ۱۰۰، زبان خارجی ۹۴/۷، ریاضیات ۱۰۰، اقتصاد ۹۱/۲، ادبیات فارسی ۹۱/۲، عربی ۹۳/۴، تاریخ و جغرافیا ۷۳/۴، جامعه‌شناسی ۱۰۰، فلسفه و منطق ۹۴/۷ و روانشناسی ۱۰۰.

○ معمولاً هنگام کنکور اکثر داوطلبان با یک‌دلهره و اضطراب مواجه می‌شوند که در نتیجه‌شان هم تأثیر منفی می‌گذارد. شما هم با چنین حالتی مواجه شدید؟

● خیر، هرگز. من حتی یک ثانیه هم اضطراب و استرس نداشتم. حتی سر جلسه کنکور واقعاً یک ثانیه هم نشد که دچار نگرانی و یا دلهره بشوم. من تلاش خودم را انجام داده بودم و به خدا هم توکل داشتم. همه چیز را به خدا سپرده بودم. به همین خاطر هم اصلاً نگرانی نداشتم. اگر کسی واقعاً معنای توکل به خدا را بفهمد و به خدا توکل هم بکند دیگر هرگز اضطراب و دلهره نخواهد داشت. مگر اینکه یا معنای توکل را نداند و یا اینکه اصلاً درس نخوانده و یا چیزی بلد نباشد و یا خود را آماده نکرده که در اینصورت اصلاً توکل معنایی ندارد. باید انسان اول آنچه در توان دارد انجام دهد و همه تلاشش را به کار بندد و بعد به خدا توکل کند، بعد از آن نتیجه هرچه باشد مورد قبول خواهد بود.

○ اگر شما قبول نمی‌شدید باز هم همین سخن را می‌گفتید؟

● ببینید من کاملاً برای شرکت در کنکور آماده بودم. شرکت در کنکورهای آزمایشی فراوان و از جمله کنکور آزمایشی سازمان سنجش که معمولاً همیشه رتبه‌هایم زیر ۵ بود این اعتماد را در من بوجود آورده بود که حتماً رتبه‌ام خوب می‌شود. حالا با توجه به این آمادگی و با توجه به توکلی که به خدا داشتم اگر هم قبول نمی‌شدم حتماً قسمت این بوده که قبول نشوم. در اینصورت بله، می‌توانم بگویم اصلاً ناراحت نمی‌شدم. ولی ممکن نبود که من قبول نشوم. ○ به عنوان آخرین مطلب اگر سخنی دارید مامنتظر شنیدنش هستیم.

● حرف خاصی برای گفتن ندارم. هر آنچه می‌دانستم فقط در آخر به داوطلبان کنکور سال آینده می‌گویم که ذهنیتشان را مثبت کنند. از اول که می‌خواهند شروع کنند با امید به رتبه‌های بالا بخوانند. حالا شاید یکی احساسش این باشد که اگر حتی خوب خوب هم بخواند نهایتاً می‌تواند رتبه ۳۰۰۰ بشود ولی چنین فردی هم نباید بگوید که نکند قبول نشوم. آدم باید با امید به رتبه‌های خیلی خوب بخواند، هرچقدر انتظار واقعی را بالاتر ببریم نتیجه هم بهتر خواهد شد. من می‌گویم با هدف و میل و اشتیاق درس بخوانید و نتیجه هم خواهید گرفت.

تصمیم بگیرید، اراده کنید و در نهایت هم به خدا توکل کنید، حتماً نتیجه خوبی خواهید گرفت.

